

دادگاه‌های حجاب در ۳ سالی که گذشت

جایگاه قانون و عملکرد مردم



پرتو برهانپور

وکیل دادگستری

پس از حوادث سال ۱۴۰۱ و تغییرات عرفی پوشش، پرونده‌های بسیاری در حوزه حجاب تشکیل شد، البته که ما آماری از تعداد دقیق این پرونده‌ها نداریم، اما آنچه همه ما در جامعه شاهد بودیم، تعداد زیادی اعم از دانشجویان، روزنامه‌نگاران، آرایشگران، بلاگرها، صاحبان فروشگاه‌های مجازی به‌ویژه در بستر اینستاگرام و مالکین رستوران‌ها و کافه‌ها و... به هر سن و سالی، درگیر این پرونده‌ها شدند و اتهامات هم اغلب از عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی مستند به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تا فراهم آوردن موجبات فساد و فحشا یا تشویق به آن یا در معرض انتظار عمومی قرار دادن چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند و... (موضوع مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی) را در برمی‌گرفت که فارغ از سیر قضایی این پرونده‌ها و نحوه رسیدگی به آنها، اکنون و پس از سه‌سال کاهش تعداد این پرونده‌ها و رواداری عملی شهروندان با یکدیگر را می‌بینیم.

هر چند هنوز هم اعمال فشارها به‌طور مختلف وجود دارد و تعدادی نیز از این وضعیت راضی نیستند اما به‌رحال جامعه راه خودش را خواهد رفت و عرف به‌عنوان یکی از منابع قانون همیشه بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد.

نتیجه چنین رفتارهایی با شهروندان، به‌سخره‌گرفتن قانون و درهم شکستن اعتبار قانون در نظر آنان می‌شود و از تبعات آن، همین می‌شود که جامعه دیگر در برابر هر نوع اجرای قانونی به سلیقه خود مقاومت می‌کند و هرکس به هر نحو که می‌خواهد، اعم از اینکه موافق یا مخالف قانون حجاب باشد، یا مجری قانون می‌شود یا سعی می‌کند قانون را دور بزند، درحالی‌که قانون درست باید چندین شرط داشته باشد؛ از جمله باید در راستای حمایت از شهروندان و همراه با مدنظر قراردادن عرف باشد، در نظر بخش عمده آنان، قابل احترام و مشروع جلوه کند و قابلیت اصلاح نیز داشته باشد.

بماند که تعداد معدودی از قضات از میزان مجازات قانون فعلی هم راضی نبودند، چراکه اغلب این پرونده‌ها مشمول تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌شدند (و می‌شوند) که محکومیت به جزای نقدی است و سعی می‌کردند با احکامی چون مراجعه به مرکز روان‌درمانی، کار در غسل‌خانه، نظافت در بهزیستی، محرومیت پزشک و وکیل از اشتغال به حرفه خود، ممنوع‌الخروجی و... عرصه را بر زنان تنگ کنند.

احکامی که، هم خلاف قانون بود و اغلب در دیوان عالی کشور نقض شدند، هم موجب وهن دستگاه قضا بود و شاید پس از سه‌سال زمان مناسبی باشد که حاکمیت، کارنامه فرهنگی، آموزشی و قضایی خود در زمینه حجاب را نگاه کند و ببیند چه شده که تقریباً همه، اعم از موافقین و منتقدانش از وضعیت موجود ناراضی هستند.

ما که ابزار و امکان تحقیق درباره هزینه‌های مادی و اجتماعی و اتفاق‌های این سه‌سال و تأثیرات آن را نداریم، اما بد نیست متولیان امر، از بالا تا پایین، از رؤسای قوا تا بازپرس و قاضی شعبه فلان شهر کوچک، صدها نهاد فرهنگی و آموزشی، صداوسیما و... به نتیجه این‌مدت نگاه کنند و تأثیرات آن را بسنجند و اعلام کنند، چراکه آنچه من و شمای شهروند به‌دور از حب و بغض می‌توانیم ببینیم، این است که سیر تحول چنان سریع و غیرقابل برگشت شده که شوری عالی امنیت ملی به‌وضوح و به‌درستی، تبعات ابلاغ نکردن قانون عفاف و حجاب را در نظر گرفته و اجرای آن را به صلاح ندانست یا توقیف خودروهای شهروندان در میانه جنگ ایران و اسرائیل به‌مثابه برهم‌زدن امنیت روانی جامعه دانسته شد و اجرا نشد.

چند تغییر آشکار

درباره شتاب تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۴۰۱ به بعد



نعمت‌الله فاضلی

جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی

اعتراضات ۱۴۰۱، لحظه تاریخی بود که همان موقع بسیاری از مفسران و محققان اجتماعی آن را لحظه‌ای برگشت‌ناپذیر در جامعه ایران قلمداد کردند. به این معنا که این حرکت برخاسته از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بود که چیزی جز تبلور یافتن آن مجموعه شرایط نبود و امکان ایجاد تغییری را اعلام کرد که امکان بازگشت به قبل از آن لحظه را از بین می‌برد. اکنون که سه‌سال از این حرکت گذشته واقعیت‌ها نشان می‌دهد که تحلیلگران اجتماعی درست برداشت کرده بودند. اتفاقاتی که در جامعه ایران بعد از این اعتراضات شکل گرفت، بیان‌کننده تغییراتی بود که تحلیلگران آنها را قطعی در نظر گرفته بودند.

من به چند تغییر آشکار که در این زمینه به وجود آمده، اشاره خواهم کرد. علنی‌ترین تغییر، مسئله پوشش زنان بود که جرقه اولیه حرکت نیز از این مسئله سرچشمه گرفت. امروز در خیابان‌های نته‌تها تهران و کلانشهرها بلکه در خیابان‌های شهرهای کوچک هم می‌بینیم که زنان کم‌وبیش از پوشش اختیاری خودشان استفاده می‌کنند. این تحول بزرگی نه‌تنها در ایران پس از انقلاب که در فضای ایران معاصر است. چراکه مسئله پوشش سر زنان از دوره قاجار تا به‌امروز مسئله‌ای مهم بوده است. این یکی از همان امور بازگشت‌ناپذیری بود که در اعتراضات ۱۴۰۱، تحلیلگران آن را پیش‌بینی می‌کردند. مسئله پوشش زنان یکی از مسائل کانونی آن بود و در جریان تجاوز اسرائیل و آمریکا موقعیت جامعه را به‌گونه‌ای تغییر داد که عملاً دیگر امکان اجرای آن قانون از میان برود و البته دولت آقای پزشکیان پیش از جنگ هم زمینه را برای اعمال قانون حجاب مجلس آماده نمی‌دید. اگر چه نیروهای حامی آن قانون همچنان دست‌وپا و تقلا می‌زنند که قانون را اجرا کنند و شرایط را به قبل بازگردانند اما در عمل، چنین چیزی را

ناممکن می‌بینم. البته محیط‌های کوچک و کوچک‌تر با فضایی اجتماعی، فرهنگی و تاریخی متمایزی از کلانشهرها روبه‌رو هستند و اینکه زنان و دختران در محیط‌های کوچک‌تر پذیری حجاب و روستری هستند به‌معنای پذیرش قانون حجاب و معنای سیاسی آن نیست؛ بلکه این قدرت سنت، عرف و فرهنگ محلی آنان است که آنها را مجاب و متقاعد می‌کند. دومین تغییر اساسی، واکنش جامعه به یکدست‌سازی سیاسی بود. سیاست خالص‌سازی منجر به کنار گذاشته‌شدن و طرد بخشی از نیروهای سیاسی از حاکمیت شده بود که به‌ر حال بخشی از صدای مردم و جامعه را نمایندگی می‌کردند. این سیاست خالص‌سازی تنش‌ها و بحران‌هایی را برای جامعه ایجاد کرده بود و اعتراضات ۱۴۰۱ اگر چه به‌طور مستقیم ارجاع و اشاره‌ای به سیاست خالص‌سازی نداشت اما آشکارا در زمینه سیاسی‌ای رخ داد که سیاست خالص‌سازی به‌طور آشکارا اعلام و اعمال می‌شد. اما در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از اعتراضات دیدیم که حکومت، سیاست خالص‌سازی را کنار گذاشت و فردی که نماینده صدای اصلاح‌طلبان یا صدای متفاوت‌تری در درون جامعه بود، توانست کاندیدای ریاست‌جمهوری و پیروز انتخابات شود. این تحول اگر چه نتوانست رضایت همه مردم را جلب کند اما بخشی از همان تحلیلی بود که تحلیلگران می‌گفتند؛ تغییری در نتیجه ایجاد شده و بازگشت‌ناپذیر است.

سومین تغییری که در این حرکت و بعد از آن اتفاق افتاد، گسترش نسبی فضاهای گفت‌وگویی و آزادی‌های اجتماعی و آزادی بیان در جامعه

اجتماعی ایران در سال ۱۴۰۱، اوایل بهمن‌ماه همان سال و بعد از بازگشت به ایران بود. او می‌گوید، تداوم این حرکت و گسترش آن به سایر موضوعات زنان که هیچ‌وقت دیده نمی‌شد، تأثیر مستقیمی روی زندگی خودش و بسیاری از زنان گذاشته است: «بعد از سال ۱۴۰۱ چهره قهرمانانه در جامعه تغییر پیدا کرد و حالا زنانی عادی را می‌بینیم که قدرتمند شده‌اند. ادامه پیدا کردن این حرکت توسط تعداد زیادی از مردم، به‌صورت مستقیمی روی زندگی من تأثیر گذاشت؛ چون حالا راحت‌تر می‌توانم درباره موضوعات آزاردهنده که مستقیم به زنانگی من برمی‌گردد، در جمع‌های خانوادگی، کاری و تحصیلی صحبت و اعتراض کنم و می‌دانم شنیده می‌شود، موضوعاتی که قبلاً بابت اعتراضی به آنها خجالت می‌کشیدم. دلیل اصلی توانایی مطرح کردن این اعتراض‌ها هم این است که به‌واسطه این حرکت، زنان چهره قدرتمندتری پیدا کرده‌اند.»

او می‌گوید ادامه این مسیر با تمام سختی‌ها و همراه‌شدن اطرافیان به من قدرت می‌دهد: «مهم‌ترین تأثیر این حرکت روی زندگی من این بود: حرفی که سه‌سال پیش می‌زدم و شنیده نمی‌شد، راحت‌تر می‌توانم مطرح کنم؛ چون این باور در جامعه شکل گرفته که زنان حقوقی دارند که هیچ‌وقت به‌دست نیامده و حالا پای آن ایستاده‌اند و عملی به آن اعتراض می‌کنند و کوتاه نمی‌آیند. با وجود اینکه مردان هم همراهی می‌کنند، اما بار سنگین این اتفاق هنوز روی دوش زنان است.»

فاطمه، روزنامه‌نگار هم می‌گوید اعتراضات ۱۴۰۱ سوالاتی را برایش پیش آورده که سوالات مهمی است: او از خودش بارها پرسیده که چطور یک حرکت بیرونی می‌تواند روی نه‌فقط زندگی او بلکه روی احساساتش هم تأثیر بگذارد: «بارها به این فکر کرده‌ام که آیا بقیه حرکت‌های اجتماعی در کشورهای دیگر با حتی در همین ایران، چنین تأثیری روی مردم گذاشته؟» او می‌گوید ممکن است که این حرکت روی سبک زندگی و نوع پوشش اش تأثیر گذاشته باشد اما آن چیزی که تغییر پیدا کرده، احساس‌اش در دو حوزه است: «اولاً، اعتمادبه‌نفسم را برده بالا و حس می‌کنم، من برای زندگی و سرنوشتم بیشتر از قبل عاملیت دارم. انگار همه جزئیات از پیش تعیین شده و می‌توانم جزئیاتی را تغییر دهم. ثانیاً، میل به انتخاب در همه ابعاد زندگی‌ام بالا رفته است. مثلاً اگر بخواهم موضوعی را با کسی در میان بگذارم که قبلاً برایم محدودکننده بود، حالا بیشتر می‌توانم این کار را انجام دهم.»

▼ موفق‌ترین حرکت اجتماعی معاصر ایران

علی اصغر سیدآبادی، نویسنده و فعال اجتماعی و حوزه کودکان، یکی از کسانی است که معتقد است تغییرات تدریجی سال‌های گذشته، منجر به تحولات خانواده ایرانی شده است. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید: «آقای آصف بیات برای توصیف حرکت تدریجی جامعه از اصطلاح پیشروی آرام استفاده می‌کند. سال‌ها پیش از او، در پیش از انقلاب، جمشید بهنام هم برای توصیف تحولات خانواده ایرانی از تغییرات تدریجی و آرام استفاده کرده است. پژوهش‌های این دو پژوهشگر و پیمایش‌های ملی در ایران نشان می‌دهند که جامعه ایران ایستا نبوده و آرام‌آرام در حال تغییر بود، اما در سال ۱۴۰۱ این حرکت هم سرعت گرفت. هم فراگیر شد و هم عمیق، بخشی از این فراگیری، عمق و سرعت مدیون حل‌وفصل تنش‌های پیرامون این موضوع درون خانواده‌ها و جامعه و همراهی مردان با مطالبات زنان بود. آخرین پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها که ارضا در دوره‌ی دولت آقای رئیسی انجام شد، نشان داد که بخش بزرگی از افراد معتقد به حجاب نیز با آزادی پوشش مشکلی ندارند و موضوع انتخابی بودن پوشش تقریباً در بین مردم حل شده و درصد بسیار کمی معتقد به برخورد هستند. همچنین مطالعات کیفی و نظرسنجی‌های مستقل دانشگاهی بعد از ۱۴۰۱ نشان دادند که حتی در شهرهای کوچک و مذهبی، سطح تساهل نسبت به تنوع سبک زندگی بیشتر شده است. این مطالبه مردمی کم‌کم در نهادهای رسمی هم تأثیر گذاشت و دولت تازه تلاش کرد این موضوع را که از سوی برخی جناح‌ها پیگیری می‌شد، مسکوت بگذارد. با این‌حال تحول اصلی در جامعه و خانواده رخ داده که ظاهر آن پذیرش تنوع در پوشش است، اما بسیار عمیق‌تر است و به تغییر در ارزش‌ها و سبک‌های زیست باز می‌گردد.»

شش‌ماه بعدش، آنچه در حوزه قضایی و اجتماعی ایران رخ داد، محل بحث و گفت‌وگوست. امسال هم این یادآوری‌ها و بحث‌ها به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد؛ کاربران زیادی از دوروز پیش تابه‌حال، از تجربه‌شان و حسی می‌نویسند که در این سه‌سال داشته‌اند. نوعی امید جدید به زندگی، حس مشترک بین تعداد زیادی از ایرانی‌ها، به‌ویژه زنان است، به‌علاوه حس‌های دیگری که هرکس جداگانه روی آن نور می‌اندازد. برای نگار بعد از روزهای اعتراضات ۱۴۰۱ یک «حسرت» مانده است. او درباره تجربه آن روزها به «هم‌میهن» می‌گوید: «روزهای خیلی خوبی بودند. با اینکه خیلی تلخ بودند اما امید داشتیم. آن زمان شور و شوق زیادی داشتیم و من الان حسرت آن روزها را می‌خورم. دین زنانی که لباس‌های زیبا می‌پوشند و در خیابانند، لبخند روی لب نگار می‌نشانند. او در پاسخ به این سوال که آینده در ذهن‌اش چگونه است، می‌گوید: «یک اتفاق خیلی سریع رقم خورد. اتفاقی که باید زمان زیادی برایش سپری می‌شد اما آینده با نسلی که داریم، برابرم روشن است، چون آنها بچه‌های روشنی هستند.»

علی هم مرد ۴۲ ساله‌ای است که فکر می‌کند بعد از سال ۱۴۰۱ و اتفاق‌هایی که گذشته، از او در همه ابعاد زندگی آدم تازه‌ای ساخته است: «بعد از مهسا، یک آدم جدید در من متولد شده و موضوعاتی را در وجودم دارم می‌بینم که برای خودم جدید و جذاب است. از پس اتفاقی‌های سختی برآمدم که برایم مثل کوه بود؛ فقط با اتکا به نیرویی که در درونم بیدار شده و تحمل کردن و سازش تحت هر شرایطی را برنمی‌تابد و این قضیه در تمام زندگی‌ام بازتاب داشته، از زندگی شخصی و احساسی تا مراوداتم با آدم‌ها، کار و باقی چیزها.»

فاطمه زنی ۳۴ ساله است و اولین مواجهه او با تحولات



سیمین کاظمی

جامعه‌شناس:

این حرکت، حرکت

بیداری جمعی زنان

و همین‌طور جامعه

ایران است. حرکت

اجتماعی‌ای که

وجوهی از مسئله

نابرابری جنسیتی

را روشن کرد و به

چالشی برای نظام

فرهنگی، اجتماعی و

سیاسی مردسالاری در

ایران تبدیل شد

تحولات کلان

عکس: Wana

ایران ۳ سال بعد

بررسی تحولات جامعه بعد از شهریور ۱۴۰۱

در گفت‌وگو با مردم، جامعه‌شناسان، حقوقدانان و پژوهشگران